



رهبر انقلاب گفتند کتاب «ثم اهتدیت» کتاب تو نیست، نسیمی از برکات اهل بیت است

رهبر انقلاب گفتند کتاب «ثم اهتدیت» کتاب تو نیست، نسیمی از برکات اهل بیت است

رهبر انقلاب گفتند کتاب «ثم اهتدیت» کتاب تو نیست، نسیمی از برکات اهل بیت است. گفت وگویی پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری با دکتر محمد تیجانی سماوی

دکتر محمد تیجانی سماوی را بسیاری در ایران و جهان اسلام با کتاب «ثم اهتدیت» می‌شناسند؛ کتابی که بسیار مورد علاقه و توجه خوانندگان از جمله رهبر انقلاب قرار گرفت. تیجانی خود در این باره می‌گوید: «ثم اهتدیت» کتاب «ثم اهتدیت» را ستایش نمودند و گفتند این کتاب، کتاب تو نیست بلکه نسیمی از برکات اهل بیت (ع) است.» به سراغ این نویسنده و پژوهشگر مسائل اسلامی رفتیم تا درباره موضوع وحدت و مسائل جهان اسلام به گفت‌وگو بپردازیم:

ما در میان مذاهب اسلامی، نکات مشترک زیادی داریم که با توجه به آن‌ها می‌توان به وحدت رسید. برای شروع گفت‌وگو در این باره توضیح دهید.

در حقیقت بخش‌های مشترک فراوانی وجود دارد و اختلاف در تمام اصول دین و فروع دین بسیار اندک است، بلکه اختلاف تنها در یک اصل دیده می‌شود، اصلی که بسیاری از علمای اهل تسنن نیز آن را ذکر کرده‌اند و آن اصل امامت است. شیعه، امامت را اصلی از اصول دین می‌داند اما اهل تسنن آن را نه به عنوان اصلی از اصول دین بلکه آن را به عنوان یک اصل سیاسی می‌پذیرند. در حالی که شیعیان، امام را منصوب از جانب خداوند می‌دانند و آیات قرآن کریم را ناظر به همین مطلب می‌دانند.

در تونس بسیاری با من دشمن بودند. اما هنگامی که حزب‌الله لبنان بر اسرائیل پیروز شد، از من عذرخواهی کردند و بیان داشتند که گویی قرآن، هم‌اکنون نازل شده است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: «ثم اهتدیت»؛ و لیئصرن الله من ینصره»

در بقیه‌ی مسائل مانند ایمان به خدا، نبوت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، قرآن کریم، قبله‌ی مشترک، حج و ... اختلافی وجود ندارد. البته در مسائل فقهی، اختلافات مطرح است چنانکه درون مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز اختلافات وجود دارد و همین اختلاف فقهی در فقه شیعیان نیز دیده می‌شود. خلاصه آن‌که مشترکات فراوان ما در اصول و فروع، درک‌های وحدت مسلمانان به شمار می‌رود و قرآن کریم نیز در آیه شریفه «ثم اهتدیت» و «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» بر وحدت اسلامی تأکید دارد و اخوت اسلامی هم این اقتضا را دارد که مسلمانان زیر بیرق دین بیایند.

اما می‌بینیم که برای دستیابی مسلمانان به وحدت با وجود تمامی این نکات مشترک موانعی وجود دارد. این موانع را توضیح دهید. یکی از موانع، جهان استکبار به‌ویژه آمریکا است و این امر بر کسی پوشیده نیست. در گذشته توطئه و خیانت علیه مسلمانان در خفا و پشت پرده‌ها انجام می‌شد اما هم‌اکنون هیچ پرده و نقابی وجود ندارد. در این قضیه برخی از کشورها نیز به پیروی از آمریکا و در جهت دوستی و علاقه به آمریکایی‌ها، حقایق اسلام را دفن کرده و بسیاری از مسلمانان کم‌خرد، جاهل و ضعیف‌الایراد را به خدمت در آورده و با حمایت همه‌جانبه از این افراد، آنان را به عنوان ابزاری برای جنگ با اسلام و مسلمین در می‌آورند.

علت این فتنه‌انگیزی آمریکا و نظام سلطه در کشورهای اسلامی چیست؟

آمریکا و دولت‌های غربی از گذشته‌های دور دریافته‌اند که تنها مانع زیاده‌خواهی و سلطه آن‌ها اسلام است و در همین راستا با ایران مخالفت می‌کنند. زیرا می‌بینیم که ایران تنها کشور متصدی دفاع از حریم پیامبر (ص) در محکومیت کاریکاتورهای اهانت‌آمیز بود. در حالی که برخی کشورها از خود واکنش نشان ندادند. بنابراین ایران اسلامی در خط مقدم دفاع از اسلام است. از سوی دیگر، آمریکا و اسرائیل به دنبال تکه‌تکه کردن مسلمانان هستند. گاهی به صراحت گفته‌ام که اگر شما بر این باورید که ایران فقط از شیعه حمایت می‌کند، سخت در اشتباهید؛ چراکه ایران از حماس هم -که شیعه نیستند- حمایت می‌کند.

ایرانیان می‌خواهند پرچم اسلام برافراشته باشد نه شیعه و نه سنی، بلکه اسلام. این امر برای تمامی نخبگان سیاسی روشن است و به‌خاطر همین است که آمریکا و اسرائیل دشمن سرسخت خود را ایران می‌دانند. آن‌ها به وضوح دریافته‌اند که انقلاب اسلامی ایران، عامل حرکت دیگر مسلمانان است. برای مثال امام خمینی (ره) جمعه آخر ماه رمضان را با این هدف که مسئله فلسطین از ذهن مسلمانان پاک نشود و در جهت آزادی قدس تلاش نمایند، روز قدس نامیدند. این موضوع ضربه‌ای سنگین برای اسرائیل و آمریکا به‌شمار می‌رود.

دنیای استکبار برای فتنه‌انگیزی از چه حربه‌هایی بهره می‌برد؟

اختلاف افکنی یکی از نقشه‌های استکبار است. برای مثال در لبنان بعد از ناکامی در جنگ‌های نظامی با حزب‌الله، این بار می‌خواهند چهره حزب‌الله را با ایجاد درگیری‌های مذهبی میان شیعه و سنی مخدوش نمایند و برای این که پیروان مذاهب مختلف در لبنان را به جان هم بیندازد، این طور تبلیغ می‌کنند که سعد حریری نماینده اهل سنت و سیدحسن نصرالله نماینده شیعیان است. در حالی که این گونه نیست و بسیاری از اهل سنت و حتی مسیحیان لبنان، جزو هم‌پیمانان جریان مقاومت به‌شمار می‌آیند. در حقیقت استکبار، با تمام توان به ایجاد فتنه در جامعه اسلامی همت می‌ورزد. در انتخابات اخیر در ایران هم دیدید که نظام سلطه و به‌خصوص آمریکا، اسرائیل و انگلیس فتنه‌ای بزرگ را به پا کردند که اگر فضل الهی، درایت علما و در رأس آنان رهبر معظم انقلاب نبود، نعوذبالله این انقلاب مورد تهدید واقع می‌شد. هدف آن‌ها در ایجاد فتنه سرنگونی حکومت و نظام جمهوری اسلامی بود اما ناکام ماندند زیرا

#171؛ و یمکرون و یمکرالله و الله خیرالماکرین»

می‌بینید که در تونس انقلاب مردمی برپا شده است. ما در تونس در خفقان بودیم، کتب شیعی ممنوع بود، کتاب‌های من قدغن بود و این ممنوعیت از ناحیه وهابیت انجام می‌گرفت؛ به طوری که وزیر کشور وقت تونس به صراحت به من گفت: #171؛ کتاب تو را ممنوع کردیم چراکه در آن به مذهب وهابیت تعرض شده و ما نمی‌خواهیم به‌خاطر تو روابطمان با عربستان تحت‌الشعاع قرار بگیرد.» به همین دلیل در تونس بسیاری با من دشمن بودند. اما هنگامی که حزب‌الله لبنان بر اسرائیل پیروز شد، از من عذرخواهی کردند و بیان داشتند که گویی قرآن، هم‌اکنون نازل شده است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: #171؛ و لینصرنّ الله من ینصره» آن‌ها می‌گفتند خداوند به این دلیل حزب‌الله را یاری کرد که این گروه بر حق و حقیقت است. شصت سال اعراب و سایر مسلمانان نتوانستند رژیم صهیونیستی را شکست دهند، اما حزب‌الله با نیروی ایمان و بدون تانک و هواپیما بر رژیم صهیونیستی غالب آمد. حزب‌الله نه تنها بر صهیونیست‌ها بلکه بر آمریکا و نظام سلطه و حتی برخی کشورهای عربی فائق شد.

اگر ولایت فقیه را به خوبی تبیین کنیم، نه تنها شیعیان، بلکه از اهل تسنن نیز آن را می‌پذیرند. جالب است بدانید که برخی از آن‌ها، امام و رهبر خود را آیت‌الله خامنه‌ای می‌دانند. هنگامی که علت این امر را می‌پرسی در جواب می‌گویند که کسی جز او در برابر اسرائیل نایستاده است؛ حال چه واسطه‌ی نبرد، حزب‌الله باشد چه حماس.

برخی کشورهای عربی که ژنرال اسرائیلی آنان را رسوا کرد، از این رژیم حمایت کردند. این ژنرال اسرائیلی تصریح کرد که ما به مدت شش روز نمی‌توانستیم به درون جبهه‌های حزب‌الله نفوذ کنیم اما یکی از کشورهای عربی به ما گفت به جنگ ادامه دهید و ما تمام هزینه‌های آن را می‌پردازیم. این رسوایی را ببینید. این جنگ باعث کشف حقایق شد، کشف کشورهایی که آمریکا در فرهنگ خود، از آن‌ها به عنوان کشورهای معتدل! یاد می‌کند. زیرا آمریکا کشورها را به دو دسته تقسیم کرده است: 1) کشورهای مقاومت‌کننده در برابر اسرائیل 2) کشورهای معتدل. کشورهای معتدل در نگاه آمریکا کشورهایی هستند که موافق جنگ با اسرائیل نیستند و به برگشت فلسطینیان به دیار خود رضایت نمی‌دهند. این دو جبهه در جهان وجود دارند که نماینده جبهه مقاومت، رهبر معظم انقلاب است.

سیدحسن نصرالله جمله بسیار زیبایی دارد. او می‌گوید: #171؛ الحمدالله که آمریکا ما را در لیست سیاه خود قرار داده است و ما را تروریست می‌خواند. این برای ما شرافت و بزرگی است. اما اگر روزی شنیدید که آمریکا ما را مدح و ستایش می‌کند باید در ما شک کنید.» بنابراین طبیعی است که آمریکایی‌ها به ایران و حزب‌الله اهانت کنند زیرا تنها مانع بر سر راه آنان و استخوانی در گلویشان است.

آن‌ها برای فتنه‌انگیزی و تسلط بر کشورهای اسلامی از روش‌های اقتصادی نیز بهره می‌گیرند و در همین راستا پس از انقلاب اسلامی، محاصره اقتصادی علیه ایران را به راه انداختند. به فشارهای اقتصادی استکبار در کشورهای دیگر بنگرید. در همین تونس و اردن این‌گونه بوده است. استکبار می‌خواهد که مردم گرسنه بمانند و همچون حکومت مصر گردند که هیچ حرکتی در برابر آن‌ها نداشت. مصر از آمریکا اعانه دریافت می‌کرد و نان‌خور آن‌ها بود.

آمریکایی‌ها از یک سو طوری برنامه‌ریزی می‌کنند که کشورهای اسلامی عقب‌مانده و محتاج باشند و از سوی دیگر نان‌خور آنها شوند. در قضیه لبنان نیز آمریکا به دنبال ایجاد این حالت ترس در مردم است. مثلاً در اذهان این‌گونه القاء می‌کرد که اگر حریری از حکومت خارج شود شما را گرسنه نگه می‌داریم و شما را مانند غزه محاصره می‌کنیم و می‌خواهند از این طریق مردم را بترسانند. البته این روش‌های شیطانی استکبار، إن شاء الله ناکام خواهد ماند و حقیقت حاکم می‌گردد و وعده الهی محقق خواهد شد.

نقش جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب در تحقق وحدت اسلامی چگونه می‌بینید؟

جمهوری اسلامی ایران و رهبر آن آیت‌الله خامنه‌ای همواره بر وحدت اسلامی تأکید کرده‌اند. ایشان به عنوان رهبر امت اسلامی و مرجعی از مراجع دینی، مورد احترام بسیاری از اهل سنت هستند. زیرا ایشان انسان معتدلی هستند و مسلمانان را به توحید کلمه فرا می‌خوانند و با حمایت‌های ایشان، سالانه کنفرانس وحدت در تهران برگزار می‌شود. این امر دلیل محکم و نشانه خوبی است که جمهوری اسلامی و رهبر آن، مسلمانان را به وحدت دعوت می‌کند. این دعوت راستین، برای از میان برداشتن فتنه، آشوب و ایستادن در برابر مستکبران، مستعمران و دعوت‌کنندگان به تفرقه و جدایی است.

برای بررسی نقش آیت‌الله خامنه‌ای در جهان اسلام باید به خاستگاه اندیشه ولایت فقیه توجه شود. اگر اندیشه ولایت فقیه، به شکل صحیح و بدون خدشه و با مفهوم درست تبیین شود، تمامی شیعیان آن را می‌پذیرند زیرا این اندیشه، شیعیان را به وحدت کلمه و مرجعیت واحده سوق می‌دهد و بدین واسطه، ظرفیت‌های شیعیان به‌طور پراکنده به هدر نمی‌رود. ولایت واحده یک اصل اسلامی است و ولایت‌های متفرقه چیزی جز تشتت و تفرقه به ارمغان نمی‌آورد. رسول خدا(ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز ولایت واحده داشتند و امت اسلامی باید زیر بیرق یگانه‌ای درآید که نابودی مسلمانان از تفرقه و تشتت است. قرآن کریم می‌فرماید: «ان هذہ امتکم امة واحده و انا ربکم فاعبدون»⁴، پس چرا ما تا این حد تفرقه داشته باشیم؟

حتی به نظرم اگر ولایت فقیه را به خوبی تبیین کنیم، نه تنها شیعیان، بلکه از اهل تسنن نیز آن را می‌پذیرند. جالب است بدانید که برخی از آن‌ها، امام و رهبر خود را آیت‌الله خامنه‌ای می‌دانند و ایشان را مقتدای خود معرفی می‌کنند. هنگامی که علت این امر را می‌پرسی در جواب می‌گویند که کسی جز او در برابر اسرائیل نایستاده است؛ حال چه واسطه‌ی نبرد، حزب‌الله باشد چه حماس. می‌گویند که سرطان و مرض ما تنها اسرائیل است و او در برابر این رژیم غاصب ایستاده است. برخی مسلمانان با این که شیعه نیستند اما حق و حقیقت را مشاهده و اعتراف می‌کنند که عاشق و دوستدار آقای خامنه‌ای هستند و خود را پیرو ایشان می‌دانند، به‌گونه‌ای که هرچه بگویند عمل می‌کنند و ایشان را مدافع اسلام می‌دانند.

ایرانیان می‌خواهند پرچم اسلام برافراشته باشد نه شیعه و نه سنی، بلکه اسلام. این امر برای تمامی نخبگان سیاسی روشن است و به‌خاطر همین است که آمریکا و اسرائیل دشمن سرسخت خود را ایران می‌دانند.

برای اولین‌بار چگونه با رهبر معظم انقلاب آشنا شدید؟

اولین‌بار در زمان ریاست جمهوری ایشان و به واسطه‌ی آقای سیدهادی خامنه‌ای -برادر رهبر انقلاب- در پاریس و به مناسبت برگزاری کنفرانس حج آشنا شدم. پس از این‌که ایشان جانشین امام خمینی(ره) شدند، آشنایی‌ام بیشتر شد. ایشان مرا به خانه خود دعوت کردند و در آن‌جا ملاقاتی با هم داشتیم. من جریان این ملاقات را در کتاب «فسیروا فی الارض» و در بخش «الرحلة الایرانیة» آورده‌ام. ایشان در آن دیدار، کتاب «171#؛ ثم اهدیت» را ستایش نمودند و گفتند این کتاب، کتاب تو نیست بلکه نسیمی از برکات اهل بیت(ع) است. بعد از آن نیز چهار یا پنج بار با ایشان ملاقات داشتم.

البته ایشان در مواردی نیز از من حمایت کرده‌اند. برای مثال هنگامی که وزیر آموزش اردن به من اهانت کرد، رهبر معظم سخنان او را رد کرد و من خدا را ستایش می‌کنم که رهبری ایران از من دفاع کردند. من کسی نیستم که بخوام مسلمانان را از هم جدا کنم بلکه به دنبال وحدت اسلام هستم. من فقط می‌خواهم به برادران اهل تسنن بگویم که شما به برادران شیعه نگاه نادرستی می‌کنید؛ پس چشمان خود را به حقیقت باز کنید. به آن‌ها می‌گویم که من نیز مانند شما بودم و شما را سرزنش نمی‌کنم. چراکه شما به حقیقت آگاه نیستید و اگر حقیقت را بشناسید هم چون من از اهل بیت(ع) تبعیت می‌کنید.

پی‌نوشت:

1. سوره آل عمران، آیه 103
2. سوره انفال، آیه 30
3. سوره حج، آیه 40
4. سوره انبیاء، آیه